



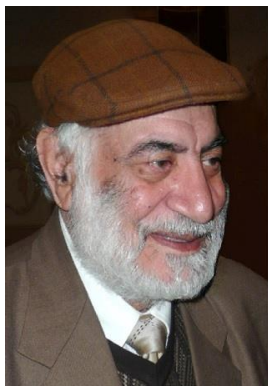
۲۰۱۷/۰۱/۰۶



م. اسحاق نگارگر

جعل احادیث در دوره امویان و عباسیان

جعل احادیث در دوره امویان و عباسیان و بالاخره تلاش های امام بخاری و امام مسلم در جدا کردن



دانه از گاه در خرمن احادیث منقول از نبی کریم (ص) حالا فرصت آن رسیده است که من به سومین قسمت بحث خود در باره حدیث بپردازم. من این نگارش را در روز میلاد حضرت رسول کریم آغاز کرده بودم و اینک به اغتنام فرصت بدان ادامه میدهم. قبلاً عرض کرده ام که احادیث نبی کریم (ص) بعد از قرآن دومین منبع تشریح است و بنا بر این برای تفسیر دقیق کلام الله توجه به احادیث ضرور است و اما یک عامل دیگر نیز ایجاب توجه به حدیث را می کند و آن اینکه پیامبر اکرم به حکم قرآن برای مسلمان آسوه حسنه خوانده شده است و مسلمانان نمی توانند بدون توجه به قول و

فعل او از وی پیروی کنند و قول و فعل او چیزی نیست مگر احادیث و اما احادیث جعلی کم از کم شش برابر احادیث اصلی است و این فقط یک جانب قضیه است و جانب دوم این است که ملاها در اکثر کشورهای اسلامی تحصیلات همه جانبه و اکادمیک در تعالیم اسلامی ندارند و به شیوه عنعنوی ظرف دو سه سال محدود مقدمات را آموخته اند و مانند هر یاد گیرنده ناقص گرفتار غرور و خود بینی گردیده اند و خویشتن را واجد شرایط فتوی و اجتهاد دانسته اند و بدون تحقیق در تاریخ احادیث و مشکلات فراوان این جاده نا هموار و نا کوفته کار را بر مسلمانان دشوار ساخته اند و در هر مورد صدها حدیث متضاد نقل می کنند و از یاد می برند که کلام به اساس اقتضای حالت گفته می شود و حالت ها در زندگی تنوع فراوان دارد و بعضاً این حالات باهم در تضاد استند.

در صدر اسلام اصحاب یا عملاً نبی کریم را در حال اجرای یک عمل می دیدند و یا مستقیماً از او می شنیدند و به همین دلیل یادداشت کردن احادیث برای شان مطرح نبود اما طبیعی است که قوت حافظه ها یک سان نبود و برخی از اصحاب برای اینکه زمینه مراجعه دوباره داشته باشند احادیث را می نوشتند و در هنگام ضرورت بدان مراجعه می کردند و این کار دو اثر مثبت و منفی داشت. اثر مثبت اینکه با توسعه قلمرو مسلمانان و سپری شدن عصر اصحاب یعنی در عصر تابعین و تبع تابعین مسلمانان در سرزمین های گوناگون با قول و فعل پیامبر اکرم (ص) آشنا می شدند و جلو بدعت های قبیح گرفته می شد اما اثر منفی اینکه دشمنان اسلام که از جعل آیات کلام الله مجید عاجز بودند به جعل احادیث رو آوردند. البته در همین جا باید گفته شود که جعل حدیث تنها کار دشمنان اسلام نبود بلکه تقسیم مسلمانان به گروه های باهم در جنگ؛ تملق برخی از علمای دین برای سلاطین و پادشاهان مقتدر؛ منع عامه

مردم از کاری که علما خود نمی پسندیدند؛ مبالغه و نسبت دادن برخی صفات فوق انسانی به حضرت پیامبر (ص)؛ نفوذ عرفان و تصوف و مبالغه در کرامات پیرانی که به گروه های مختلف صوفیان ارتباط داشتند همه دست به هم داد و بازار جعل احادیث را گرم کرد.

اگر عقل سلیم را به داوری بگیریم تمام دوران نبوت حضرت پیامبر اکرم (ص) بیست و سه سال قمری بود. اگر بیست و سه را در سه صد و پنجاه و پنج روز ضرب کنیم جمعاً دوران نبوت پیامبر به هشت هزار و یک صد و شست و پنج روز می رسد. حالا اگر فرض کنیم که حضرت پیامبر (ص) روزانه شش ساعت با اصحاب خود در باره سیما های گوناگون دین صحبت کرده باشد مجموعه احادیث به چیزی در حدود چهل و هشت هزار و نه صد و نود حدیث بالغ می شود اما امام بخاری (رح) وقتی از تلاش خود در گرد آوری احادیث صحبت می کند چنین می گوید: «تألیف این کتاب را در مسجدالحرام و در کنار بیت الله آغاز نمودم و احادیث صحیح این کتاب را از ششصد هزار حدیث انتخاب کرده ام و جُز حدیث صحیح در آن نوشته ام و قبل از نوشتن هر حدیث غسل کرده ام و دو رکعت نماز خوانده ام و بعد از نماز و استخاره از خدا و حصول یقین به صحت حدیثی آنرا در کتاب نوشته ام و در مدت شانزده سال تألیف؛ این کتاب را به اتمام رسانیدم و آنرا در بین خودم و خدای خودم حجت قرار دادم.» (تاریخ ضبط و ثبت حدیث مصطفی الحسینی طباطبایی ص ۸۳)

اما با این همه دقت که امام بخاری در گزینش احادیث به کار برده است ابن حجر عسقلانی فکر میکند که یک صد و ده حدیث از صحیح بخاری مردود استند و از نظر محمود ابوریه ۴۰۰ تن از رجال بخاری متهم به ضعف حافظه استند که ابن حجر اسامی آنان را در مقدمه فتح الباری ذکر کرده است.

از جعل گسترده حدیث که هزاران حدیث در فضایل امیر معاویه و در زمان عباسی ها در فضایل خلفای عباسی جعل شده که سراپا دروغ و جعلی اند می گذریم و می رسیم بر این نکته که محدثان در قدم نخست چهار دسته حدیث را از همدیگر جدا می کنند. احادیث صحیح؛ حسن ضعیف و سقیم و احادیث صحیح خود هفت درجه دارند:

(الف) احادیث بخاری و مسلم

(ب) احادیثی که تنها در بخاری آمده اند.

(ج) تنها در صحیح مسلم آمده اند.

(د) در هیچ کدام نیامده اند اما معیار ها و شرایط هر دو را در خود دارند.

(ه) شرایط بخاری را دارند.

(و) شرایط مسلم را دارند.

(ز) از دیدگاه دیگر صاحبان صلاحیت درست استند.

احادیث حسن بسیار قوی نیستند اما برای ایجاد یک اصل قانونی ضرور است ولی همه صاحبان صلاحیت در آن همنوا نیستند. ابن جوزی گفته است:

هر حدیثی را مشاهده کردی که بر خلاف عقل یا اصول مسلمة فقهی است؛ بدان که موضوع (ساختگی و جعلی) است و نیازی به این بحث ندارد که راویان آن معتبرند یا غیر معتبر. همچنین آن حدیث که بر خلاف محسوسات و مشاهده باشد؛ یا آن حدیثی که در آن بر انجام امر معمولی تهدید به عتاب سختی شده یا بر انجام یک امر معمولی؛ نوید ثواب بزرگی داده شده است. (این نوع احادیث در نزد واعظان بسیار یافت می شود.)

شبلی نعمانی و سید سلیمان ندوی نویسندگان کتاب دو جلدی فروغ جاویدان در شرح زندگانی حضرت محمد (ص) بحثی نسبتاً مفصل در باره احادیث نبوی نموده و معیار های روشن شناخت احادیث را به دست داده اند و من آن معیارها را از جلد اول همان کتاب بر می گیریم:

- ۱- روایتی که مخالف عقل سلیم باشد.
- ۲- روایتی که مخالف اصول مسلم فقهی و شرعی باشد.
- ۳- روایتی که برخلاف محسوسات و مشاهده باشد.
- ۴- روایتی که بر خلاف قرآن مجید یا حدیث متواتره و یا اجماع قطعی باشد و احتمال هیچ تأویل در آن نباشد.
- ۵- حدیثی که در آن بر ارتکاب یک امر معمولی به عذابی سخت هشدار داده باشد.
- ۶- حدیثی که بر انجام یک عمل معمولی مژده ثوابی بزرگ داده شده باشد.
- ۷- روایتی که دارای معنای زشت باشد؛ مانند این که کدو را بدون ذبح نخورید.
- ۸- روایتی که چنین حالتی داشته باشد که لزوماً تمام مردم از آن می بایست آگاه می شدند ولی با وجود این غیر از یک نفر دیگری آنرا روایت نکرده است.

ملا علی قاری هروی (یکی از شاگردان علامه سعدالدین تفتازانی و از فقیهان اواخر عصر تیموریان هرات که در سال ۹۵۲ هـ ق به مکه مکرمه مهاجرت کرد و در سال ۹۷۲ هـ ق در همان دیار از جهان رفت. او فقیه حنفی مذهب بود.) در پایان کتاب "موضوعات" برای غیر معتبر بودن برخی از احادیث دوازده معیار را ردیف میکند که آن معیار ها موضوعی یا جعلی بودن حدیث را ثابت می نماید و آن معیار ها این هاست:

- ۱- حدیثی که در آن سخنان لغو و بیهوده به کار گرفته شده باشد و صدور آن سخنان از زبان نبی کریم غیر ممکن باشد؛ مانند اینکه هر شخص لاله الا الله گوید؛ خداوند از کلمه او پرنده ای خلق می کند که دارای هفتاد زبان است و به هر زبانش هفتاد نعت وجود دارد
- ۲- حدیثی که بر خلاف مشاهده و تجربه باشد مانند اینکه: "خوردن بادنجان داروی هر بیماری است."
- ۳- حدیثی که مخالف احادیث صریحه باشد.
- ۴- حدیثی که بر خلاف واقع باشد؛ مانند اینکه: "با آبی که به وسیله آفتاب گرم شده باشد؛ نباید غسل کرد؛ زیرا که از آن بیماری برص (پیسی) پیدا می شود."
- ۵- حدیثی که با کلام انبیا (ع) شباهت نداشته باشد مانند این حدیث که: "سه چیز نور چشم را قوی میکند: سبزه زار؛ آب روان؛ نگاه به چهره زیبا"
- ۶- احادیثی که پیشگویی های وقایع آینده را با قید تاریخ نموده باشد. مانند اینکه "در فلان سال و فلان تاریخ این حادثه روی میدهد".
- ۷- احادیثی که با کلام اطباء مشابه باشد مانند اینکه: "خوردن آش حلیم آدمی را قوی میکند" و یا اینکه: "مسلمان شیرین است و شیرینی را دوست دارد."
- ۸- حدیثی که قرائن و دلایل غلط بودن آن موجود است مانند اینکه: "قامت عوج بن عئق سه هزار گز بود."

- ۹- (احادیثی که صریحاً بر خلاف قرآن باشد مانند اینکه : "عمر دنیا هفت هزار سال است." زیرا اگر این روایت صحیح باشد؛ پس هر کس می داند که از وقوع قیامت چه قدر باقی است؛ حال آنکه از قرآن ثابت است که وقت قیامت برای احدی معلوم نیست.
- ۱۰- احادیثی که در باره حضرت خضر(ع) منقول است.
- ۱۱- احادیثی که الفاظ آن رکیک باشد.
- ۱۲- احادیثی که در بیان فضایل سوره های قرآن مجید به طور جداگانه استند. این گونه احادیث در تفسیر بیضاوی؛ کشاف و غیره منقولند.

با معیار های که برشمردیم میتوان اذعان کرد که امروز به قدر کافی دامان حدیث از خس و خاشاکی که دوستان نادان اسلام از روی نادانی و خوشبینی و یا حتی از روی مبالغه در شخصیت پیامبر اکرم و دشمنان اسلام به منظور تمسخر و استهزاء بر احادیث واقعی افزوده اند پاک گردیده است ولی هنوز دو مشکل همچنان باقی است یکی اینکه برادران اهل تشیع احادیث را تنها به روایت های امامان خود می پذیرند و در کتب احادیث آنان نیز احادیث مجعول فراوانست که باید با حسن نیت تصفیه شود زیرا چه بسا که آنجا نیز بر امامان تهمت ها بسته اند.

مشکل دوم اینکه غالب علمای عنعنوی با زبان و صرف و نحو زبان عربی و تحولات ادبی این زبان آشنا نیستند و بنا بر این هر فقره زبان عربی و حتی برخی ضرب المثل های آن زبان را حدیث می پندارند و آنرا در هنگام مواعظ چاشنی کلام خود می گردانند. در بسیاری از معراج نامه ها مزخرفات و اسرائیلیات نیز وارد گردیده و غالباً از قول پیامبر اکرم وارد می شود که نه تنها به پیامبر (ص) نسبت ندارد بلکه لب های شنونده را نیز به خنده تمسخر باز میکند و تعلیم و تربیت اکادمیک در میان مسلمانان باید عام گردد تا مردم خود بتوانند گریبان اسلام و صلاحیت فتوی را از دست ملا های تازه کار و منقرذ باز گیرند اما معقولیت مسلماً در این نیست که ما به خاطر کیک پوستین حدیث را در آتش تعصب و کج فهمی بسوزانیم بلکه همان حد وسط در این مورد نیز معقول است؛ یعنی احادیثی که در انتساب آن به نبی کریم (ص) هیچ شک وجود ندارد همچنان در بدنه تشریح باقی بماند. از سوی دیگر یک انجمن بین المللی علما که بدون نفوذ های سیاسی این یا آن دولت تشکیل شده باشد نسخه های انتقادی و منقح صحیح بخاری؛ صحیح مسلم و دیگر کتب صحاح سته و اصول کافی را چاپ کنند و فتوی نیز در امور مختلف از همین مرجع صاحب صلاحیت و صلابت صادر شود و بدین ترتیب جلو اختلاف بیشتر گرفته شود و مسلمانی از این حالت یک اسلام و یک منبع تشریح ولی یک دنیا انشفاق و دشمنی نجات یابد. فاعتبروا یا اولی الابصار. برمنگم ۵ جنوری ۲۰۱۷ نگارگر

پایان